



COPYRIGHTS

© 2020 by the authors. Licensee National Studies Journal. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

***Analyzing the Role of Economic Diplomacy and the
Goeconomic Approach in Iran's National Authority
with an Emphasis on Geoenergies***

Gholamreza Shafiee*

E-mail: ghshafiee6544@gmail.com

Hojjat Mahkoui**

E-mail: hojat_59_M@yahoo.com

Amir Gandomkar***

E-mail: aagandomkar@yahoo.com

Reza Simbar****

E-mail: rezasimbar@hotmail.com

Received: 2024/05/28

Revised: 2024/11/24

Accepted: 2025/03/10

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.460233.1614

Abstract

In the contemporary age, diplomatic diplomacy and the goeconomic approach enjoy a special role and importance in increasing national authority and upgrading Iran's position in regional and international economic and political equations. There is a deep and unbreakable relationship between economic diplomacy, economic development, and globalization. Accordingly, Iran's foreign policy requires adoption of a suitable approach suitable for the goeconomic approach and for new conditions and developments in the age of ever increasing economic globalization. As Iran's most important goeconomic capacities, the energy resources and reserves are of particular importance today in the age of economic globalization. The main purpose of this research is to answer the question "What change in approach is required to take advantage of Iran's goeconomic position on the geoenergetic axis by the end of the first half of the 21st century?" Therefore, the research hypothesis is "A change of approach and the transition from traditional diplomacy to economic diplomacy are needed for utilization of Iran's goeconomic position based on tapping geoenergies by the end of 2050. This is an applied study in terms of its purpose and a descriptive-analytical one with respect to its nature. SPSS, T-Test, and multivariate regression were used to analyze the 34 questionnaires completed by professors and experts on the subject of the research. Considering Iran's rare geoenergy position and capacities on the one hand, and the trend of transitioning from fossil fuels to clean and renewable sources of energy by the end of 2050 on the other hand, the inferential results and findings of this study indicate the need for a change of approach from traditional diplomacy to economic diplomacy.

Keywords: Economic Diplomacy, Goeconomics, Geoenergies, Geopolitics of Energy, Iran.

* Ph.D. Student in Political Geography, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

** Assistant Professor of Political Geography, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author).

*** Associate Professor, Department of Geography, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

**** Professor, Department of Political Science and International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran.

واکاوی نقش دیپلماسی اقتصادی و رویکرد ژئواکونومیک در اقتدار ملی ایران؛ با تأکید بر ژئوانرژیک

نوع مقاله: پژوهشی

* غلامرضا شفیعی

** حجت مهکویی

*** امیر گندمکار

**** رضا سیمبر

E-mail: Ghshafiee6544@gmail.com

E-mail: hojat_59_M@yahoo.com

E-mail: aagandomkar@yahoo.com

E-mail: rezasimbar@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

در عصر کنونی، دیپلماسی اقتصادی و رهیافت ژئواکونومیک از نقش و اهمیت ویژه‌ای در راستای اقتدار ملی و ارتقای جایگاه ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی برخوردار است. دیپلماسی اقتصادی، توسعه اقتصادی و جهانی شدن، پیوندی عمیق و ناگسستنی با یکدیگر دارند. بر این اساس، سیاست خارجی ایران نیازمند اتخاذ رویکردی متناسب با رهیافت ژئواکونومیک و شرایط و تحولات جدید در عصر جهانی شدن روزافزون اقتصاد است. منابع و ذخایر انرژی به‌عنوان مهم‌ترین ظرفیت‌های ژئواکونومیک ایران، امروزه و در عصر جهانی شدن اقتصاد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. مسئله اصلی تحقیق این است که بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژیک تا پایان نیمه اول قرن بیست‌ویکم، مستلزم چه تغییر رویکردی است؟ بر این اساس، فرضیه تحقیق عبارت است از اینکه بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژیک تا پایان نیمه اول قرن بیست‌ویکم، مستلزم تغییر رویکرد و گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی است. روش تحقیق براساس هدف، از نوع کاربردی و براساس ماهیت، از نوع توصیفی و تحلیلی است. تعداد ۳۴ پرسشنامه از طریق اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع تکمیل، و با استفاده از نرم‌افزار Spss و آزمون T-Test و رگرسیون چندمتغیره مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج و یافته‌های استنباطی تحقیق، با توجه به موقعیت و ظرفیت‌های کم‌نظیر ژئوانرژیک ایران از یک‌سو و روند انتقال از سوخت‌های فسیلی به منابع انرژی تجدیدپذیر از سوی دیگر، تا پایان نیمه اول قرن بیست‌ویکم، بیانگر ضرورت تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی اقتصادی، ژئواکونومیک، ژئوانرژیک، ژئوپولیتیک انرژی، ایران.

* دانشجوی دوره دکترای جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
** استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).
*** دانشیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
**** استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

در عصر جهانی شدن روزافزون اقتصاد، منابع انرژی به‌عنوان یک متغیر ژئوپولیتیک، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی دارد. منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، از مهم‌ترین ظرفیت‌های ژئواکونومیک در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی به‌شمار می‌روند. امروز پس از گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ سرد، به‌موازات فرایند جهانی شدن اقتصاد، شاهد شکل‌گیری روندهای پر قدرت اقتصاد سیاسی بین‌الملل و رویکردهای «ژئوپولیتیک اقتصادمحور» یا «ژئواکونومیک» هستیم. این تحولات بیانگر جهانی با نظام و مشخصات جدید است که در آن، حفظ و ارتقای جایگاه کشورها در ساختار نظام بین‌الملل، به‌شدت به موضوع «دیپلماسی اقتصادی» و «توسعه‌یافتگی» وابسته است؛ نوعی از توسعه‌یافتگی که اهداف و برنامه‌های خود را در چهارچوب وابستگی متقابل و دوسویه با جهان و بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از روند جهانی شدن دنبال می‌کند.

این مقاله با هدف واکاوی نقش و اهمیت دیپلماسی اقتصادی ایران در بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک کشور در قرن بیست‌ویکم، با تأکید بر ژئوانرژیک و با در نظر داشتن ضرورت توجه به این مقوله در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی ایران تهیه شده است. بی‌توجهی به دیپلماسی اقتصادی موضوعی است که طی سه دهه اخیر، عملکرد اقتصاد ایران را متأثر کرده و تأثیرات مخرب و منفی را به اقتصاد کشور تحمیل نموده است. تحولات مربوط به گذار از سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر از یک‌سو و مسائل و مشکلات روزافزون اقتصادی کشور ازسوی دیگر، ضرورت بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی و تبیین سازوکارهای متناسب با موقعیت و جایگاه ژئواکونومیک و ژئوانرژیک کشور را ضروری ساخته است. بی‌تردید اتخاذ یک سیاست خارجی تعامل‌گرای فعال و بهره‌گیری از یک دیپلماسی اقتصادی توسعه‌گرای مبتنی بر ژئوانرژیک، بهترین راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شرایط جدید بین‌المللی، در راستای تقویت منافع ملی، افزایش وزن ژئوپولیتیکی و ارتقای جایگاه ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی است.

پیشینه تحقیق

طی سال‌های اخیر، مطالعات و تحقیقات متعددی در رابطه با تحلیل نقش و اهمیت دو موضوع «دیپلماسی اقتصادی» و «ژئواکونومیک» به‌صورت جداگانه، توسط محققان و پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی صورت گرفته است؛ اما بررسی هم‌زمان این دو



موضوع و تحلیل روابط آن‌ها با یکدیگر از دیدگاه «ژئوپولیتیک انرژی» یا «ژئوانرژی» و نقش و اهمیتی که می‌تواند در راستای تحکیم اقتدار ملی و افزایش وزن ژئوپولیتیک ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی در قرن بیست و یکم و در دوره انتقال انرژی داشته باشد، موضوع جدیدی است که کمتر به آن توجه شده است.

واعظی در مقاله «دیپلماسی اقتصادی ایران با تأکید بر نقش انرژی»، ضمن تأکید بر اهمیت دیپلماسی اقتصادی در جهان امروز و با توجه به سند چشم‌انداز بیست‌ساله که در آن بر توسعه کشور براساس راهبرد تعامل سازنده در روابط خارجی تأکید شده است، بسترهای مناسب موجود برای دیپلماسی اقتصادی را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در این راستا، بر نقش انرژی به عنوان حلقه اتصال و پیوند میان توسعه ملی و سیاست خارجی توسعه‌گرا تأکید شده است. از دیدگاه نویسنده، انرژی مهم‌ترین نقطه پیوند اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی است و حضور جدی ایران در بازار انرژی از یک طرف و توسعه صنایع بالادستی و پایین‌دستی حوزه نفت و گاز از طرف دیگر، در فرایند توسعه اقتصادی ایران از جایگاهی استراتژیک برخوردارند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۴۹).

گل‌افروز در مقاله «نقش ژئوپولیتیک انرژی بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، ضمن تأکید بر نقش و اهمیت ژئوپولیتیک انرژی در عصر کنونی، تأثیر آن را بر امنیت ملی ایران موردبررسی و تحلیل قرار می‌دهد. وی معتقد است علی‌رغم اینکه ایران بازیگری تأثیرگذار در استراتژی‌های جهانی انرژی محسوب می‌شود، طی دهه‌های اخیر، به دلیل اتخاذ سیاست‌های غلط، با کاهش وزن ژئوپولیتیکی و قدرت ملی کشور و به تبع آن، دغدغه تهدید مداوم امنیت ملی مواجه بوده است (گل‌افروز، ۱۳۹۴: ۱۹۹). عزتی و گل‌افروز در مقاله «راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپولیتیک انرژی نفت و گاز در پیشبرد آن»، نقش و اهمیت راهبردی قدرت هوشمند را از طریق ترکیب قدرت نرم و قدرت سخت، در راستای بهره‌گیری از منابع نفت و گاز کشور در عصر کنونی موردبررسی و تحلیل قرار داده‌اند. نویسندگان معتقدند که ایران با اتخاذ استراتژی مناسب در قدرت هوشمند و به‌ویژه با تأکید بر بازیگری بیشتر در ژئوپولیتیک انرژی نفت و گاز، می‌تواند با تحمیل رفتار و استدلال خود بر دیگر کشورها، قدرت خود را افزایش دهد (عزتی و گل‌افروز، ۱۳۹۲: ۳۹).

مختاری‌هشی و نصرتی در مقاله «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، با تأکید بر تحول گفتمان ژئواستراتژیک به ژئواکونومیک در دهه‌های اخیر و ایفای نقش برتر اقتصاد در عرصه مناسبات جهانی، به تبیین اهمیت و نقش‌آفرینی ژئوپولیتیک انرژی و امنیت آن در مناسبات بین‌المللی پرداخته‌اند. از دیدگاه این محققان، قرار گرفتن ایران در مرکز بیضی



استراتژیک انرژی و مسیرهای انتقال آن به بازارهای مصرف جهانی، به‌طور بالقوه موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ویژه‌ای به ایران داده است. بر این اساس، باید تلاش شود با به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها، نسبت به ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی برنامه‌ریزی و اقدام شود (مختاری‌هشی و نصرتی، ۱۳۸۹: ۹۵).

ویداکیس و بالتوس طی یک دهه گذشته، نقش مهمی در تبیین و تحلیل مفهومی «ژئوانرژی» و اهمیت و جایگاه آن در ژئوپولیتیک عصر کنونی داشته‌اند. آن‌ها در سال ۲۰۱۵ طی مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های امنیتی ژئوانرژی و اهمیت مدیریت منابع انرژی در سیاست بین‌الملل»، با الهام از زبان یونانی، واژه «ژئوانرژی» را جهت پرداختن به تأثیرات منابع انرژی در سیستم‌های سیاسی اقتصادی و همچنین، تأثیر آن‌ها بر روابط بین‌المللی، وارد ادبیات جغرافیای سیاسی نمودند. آن‌ها معتقدند با توجه به اینکه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک حوزه‌های تحقیقاتی نزدیک به یک‌صد سال بوده‌اند، باید اصطلاح و شاید حتی یک زمینه مطالعاتی برای توصیف ارتباط و تلاقی جغرافیا و انرژی وجود داشته باشد؛ از این رو، آن‌ها تلاش کردند رویکردهای ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک را مورد بازنگری قرار داده و به دنبال رویکردی جدید باشند. این نویسندگان توضیح می‌دهند که چرا دیدگاه ژئوانرژی می‌تواند در رمزگشایی رویدادهای جهان معاصر مفید باشد و از ابزارهای تحلیلی ژئوانرژی برای روشن کردن چندین دوره تاریخی، چه در قرن حاضر و چه در قرن گذشته، استفاده می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها، ژئوانرژی با ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک در تضاد نیست، بلکه مکمل یکدیگر هستند و با هم همپوشانی دارند (ویداکیس و بالتوس، ۲۰۱۵: ۲). ویداکیس و همکاران در سال ۲۰۱۷ نیز در مقاله «ژئوپولیتیک انرژی در مقابل ژئوانرژی سیاست»، به تبیین نقش و اهمیت منابع انرژی، شبکه‌های تأمین و انتقال آن و همچنین، امنیت انرژی پرداخته و نقش کلیدی آن‌ها را در تحلیل و تفسیر سیاست و اقتصاد ملی و بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌دهند. از دیدگاه این محققان، رویکرد ژئوانرژی بر اهمیت و قدرت انرژی به‌عنوان عاملی تأکید می‌کند که کمک قابل توجهی به استقرار کشورهای مسلط و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها در دوره‌های طولانی تاریخی و معادلات سیاسی اقتصادی جهانی می‌کند (ویداکیس و همکاران، ۲۰۱۷: ۳۸).

بررسی مفاهیم نظری و چهارچوب مفهومی

۱- دیپلماسی اقتصادی

هرچند دیپلماسی اقتصادی مفهومی نو در عرصه دیپلماسی مدرن و روابط بین‌الملل است، این مفهوم از دیرباز و از عصر تمدن‌های باستانی تاکنون، ابزاری برای تنظیم



روابط بین دولت‌ها و کشورها بوده است. مفهوم مدرن دیپلماسی اقتصادی به تدریج و در طی پنجاه سال گذشته شکل گرفته و به موازات جهانی شدن اقتصاد، گسترش یافته و بر نقش و اهمیت آن افزوده شده است.

از دیدگاه بارانای، دیپلماسی اقتصادی به اقدامات رسمی و دیپلماتیکی اطلاق می‌شود که بر روی افزایش صادرات، جذب سرمایه خارجی و شرکت در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تأکید دارند و درواقع، فعالیت‌هایی را شامل می‌شود که تأمین‌کننده منافع اقتصادی هر کشور در سطح بین‌المللی است (بارانای، ۲۰۰۹: ۲). رانا دیپلماسی اقتصادی را فرایندی می‌داند که از طریق آن کشورها خود را به جهان بیرون وصل می‌کنند تا منافع ملی خودشان را در زمینه فعالیت‌هایی که شامل تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر اشکال مبادلات سودآور اقتصادی که از مزیت نسبی در ابعاد دوجانبه، منطقه‌ای و چندجانبه برخوردارند به حداکثر برسانند (رانا، ۲۰۰۷: ۲۰۵). از دیدگاه گولسارا، دیپلماسی اقتصادی هنر تأمین امنیت اقتصادی و منافع استراتژیک یک کشور، با استفاده از ابزار اقتصادی در برقراری روابط دولت با دولت است (گولسارا، ۲۰۱۸: ۱). برخی معتقدند دیپلماسی اقتصادی را باید دیپلماسی وابستگی نام نهاد؛ چراکه درنهایت، به ترویج و تحکیم وابستگی متقابل دولت‌ها می‌انجامد (چاترجی، ۲۰۲۰: ۲).

به‌طورکلی، در اکثر تعاریف مربوط به دیپلماسی اقتصادی، حداقل سه مفهوم اساسی و مشترک وجود دارد:

- تسهیل دسترسی اقتصاد ملی به بازارهای خارجی و جهانی؛
- جذب فناوری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یک قلمرو ملی؛
- تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی برای خدمت به منافع ملی، با استفاده از ابزار و روش‌های اقتصادی.

مطالعات نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی می‌تواند در رونق صادرات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار مؤثر باشد. برجئیک و مونز شواهد تجربی درمورد اثربخشی دیپلماسی اقتصادی را بررسی کردند و تأثیر مثبت قابل توجهی را در اکثر اقدامات دیپلماسی اقتصادی یافتند (برجئیک و مونز، ۲۰۰۹: ۲). درواقع، دیپلماسی اقتصادی جدید، پاسخی به چالش‌های نوظهور ناشی از جهانی شدن، تصمیم‌گیری داخلی و همکاری‌های فزاینده بین همه بازیگران درگیر است (باین و وولکاج، ۲۰۰۷: ۹۴). از دیدگاه کوپر و همکاران، هدف کلاسیک دیپلماسی، ترویج، پیگیری و دفاع از منافع ملی است (کوپر و



همکاران، ۲۰۱۳: ۱). مفهوم دیپلماسی اقتصادی در دوران پس از جنگ سرد و گسترش فزاینده جهانی شدن اقتصاد رونق گرفت و امروزه به‌عنوان یکی از ابزارهای نوین، قدرتمند و کارآمد کنش در فضای بین‌الملل، در برابر دیپلماسی سنتی قرار گرفته است.

دولت‌ها، دیپلماسی اقتصادی را با هدف ارتقای رونق اقتصادی و ثبات سیاسی دنبال می‌کنند؛ بنابراین، دیدگاه تحلیلی اولیه دیپلماسی اقتصادی، سیاست خارجی است که به فرایندهای تصمیم‌گیری و استفاده از ابزارهای سیاسی اقتصادی در مذاکرات بین‌المللی در صحنه‌های خاص مربوط است و در زمینه منطقه‌ای و جهانی و دوجانبه و چندجانبه تعریف می‌شود. برای موفقیت، هر دولتی باید فعالیت‌های مختلف دیپلماسی اقتصادی را، مطابق با توازن در منافع ملی، دنبال کند. در این رابطه، مدیریت دقیق ارتباطات و بررسی مستمر فعالیت‌های دیپلماسی اقتصادی موجود و بالقوه بسیار مهم است (اوکانو و هجمانز، ۲۰۱۱: ۳۵). بر این اساس، وظیفه آن امروزه توازن قوا نیست، بلکه توازن منافع است. ذهنیت همه یا هیچ دیگر کار نمی‌کند. رویکرد جزئی و متوازن پاسخی به واقعیت‌های جدید ژئوپولیتیک و اقتصادی است (گولسارا، ۲۰۱۸: ۴).

دیپلماسی اقتصادی یکی از محورهای اصلی دیپلماسی مدرن و از نمادهای بارز قدرت نرم در جهان امروز است که در ابعاد نظری و کاربردی، توصیف کاملی از روابط متقابل جغرافیا، سیاست و اقتصاد در روابط بین‌الملل ارائه می‌کند. تعامل با اقتصاد جهانی و کسب جایگاه مطلوب در این اقتصاد، با توجه به شاخص‌های پنج‌گانه جهانی شدن اقتصاد یعنی آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، رقابت‌پذیری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، نیازمند بهره‌گیری از یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد و متناسب با شرایط جدید است. بر این اساس، دیپلماسی اقتصادی بیشتر مورد توجه کشورهای است که می‌خواهند از طریق مشارکت و تعامل با نظام اقتصاد جهانی و پیوند میان منابع و ظرفیت‌های ملی، با ظرفیت‌ها و روندهای فراملی به اهداف توسعه ملی و اقتصادی خود دست یابند.

۲- تاریخچه و مفهوم ژئواکونومیک

قلمرو جغرافیایی ژئوپولیتیک در قرن بیست‌ویکم با محدوده مطالعاتی آن در قرن بیستم دارای تفاوت‌های اساسی است؛ درواقع، از دهه پایانی قرن بیستم به بعد، شاهد افزایش بی‌سابقه نقش و اهمیت عملکردهای انسانی و توانمندی‌های اقتصادی در ژئوپولیتیک هستیم. تحولات پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظام دوقطبی، بیانگر ظهور دوره جدیدی در نظام ژئوپولیتیک جهانی است که از آن با عنوان «ژئوپولیتیک



پست‌مدرن» نام می‌برند؛ درواقع، رویکرد ژئواکونومیک به‌عنوان شاخه‌ای از ژئوپولیتیک، برآمده از این تحولات در عصر ژئوپولیتیک پست‌مدرن است. ژئوپولیتیک دارای سه ضلع اصلی یعنی جغرافیا، سیاست و قدرت است. در ژئواکونومیک، اقتصاد جایگزین سیاست می‌شود و مفهوم اصلی ژئواکونومیک را به‌عنوان ژئوپولیتیک اقتصادمحور شکل می‌دهد. هم ژئوپولیتیک و هم ژئواکونومیک از اساس، «با رقابت‌های ژئواستراتژیک بین کشورها مرتبط هستند، اما رویکرد ژئواکونومیک دایره تحلیل ژئوپولیتیک را محدود نموده و بر نقش و اهمیت موقعیت و ظرفیت‌های اقتصادی برآمده از محیط جغرافیایی به‌عنوان یک عامل مهم تأکید می‌کند.

ادوارد لوتواک در سال ۱۹۹۰ پارادایم ژئواکونومیک را به‌عنوان مفهومی مهم در فرایند گذار از ژئوپولیتیک دوران جنگ سرد به دوره جدید یعنی ژئوپولیتیک پست‌مدرن، با مفهومی گسترده مطرح نمود (لوتواک، ۱۹۹۰: ۱۲۵). به باور لوتواک، درواقع زوال جنگ سرد نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت نظام جهانی ازسوی ژئوپولیتیک به سمت ژئواکونومیک است (لوتواک، ۱۹۹۸: ۱۲۵). از دیدگاه او، رهبر حکومت باید از ابتدا ادعای خود را نه به نام‌های استراتژی و امنیت در زمان، بلکه بیشتر با عنوان حفاظت از علائم اقتصادی مهم، توسط مدافعان ژئواقتصادی، متجاوزان ژئواقتصادی، دیپلماسی ژئواقتصادی و فهم ژئواقتصادی بیان کند (لوتواک، ۱۹۹۳: ۱۹). از دیدگاه لوتواک، در چشم‌انداز پس از جنگ سرد، عناصر و محورهای قدرت در ژئوپولیتیک کلاسیک، جای خود را به عوامل اقتصادی می‌دهند؛ درواقع، لوتواک ژئواکونومیک را به‌عنوان علم روش‌های جنگ اقتصادی تعریف می‌کند و استدلال می‌کند که دولت‌ها بازیگران اصلی در فضای اقتصاد جهانی هستند.

به‌طورکلی، ژئواکونومیک عبارت است از مطالعه اثرگذاری عامل‌ها یا زیربناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عامل‌ها در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپولیتیک منطقه‌ای و جهانی (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۹). تعدادی از دانشمندان بر این باورند از آنجاکه ژئواکونومیک بر ژئوپولیتیک غالب است، نظم جهانی مدرن باید به‌عنوان یک نظم ژئواکونومیک در نظر گرفته شود (کارون، ۱۹۹۸: ۸). به نظر آن‌ها، این ژئواکونومیک به‌عنوان جدیدترین پارادایم توسعه جهانی است که باید به پایه اساسی، مبنای نظری و روش‌شناختی برای توسعه ابزارهای پیچیده‌تر دیپلماسی اقتصادی تبدیل شود (گولسارا، ۲۰۱۸: ۶).

استفاده از موقعیت و ظرفیت‌های ژئواکونومیک، بدون بهره‌گیری از یک دیپلماسی اقتصادی فعال، کارآمد و هوشمندانه، و ابزار و روش‌های مبتنی بر آن، در عمل



امکان‌پذیر نیست؛ به عبارت دیگر، در عصر کنونی، این دیپلماسی اقتصادی است که پیوند بین رویکرد ژئواکونومیک و تأمین منافع ملی، تقویت امنیت ملی، توسعه اقتصادی، افزایش وزن ژئوپولیتیک کشور و غیره را محقق می‌سازد.



شکل شماره ۱. مدل مفهومی نقش و اهمیت دیپلماسی اقتصادی در رویکرد ژئواکونومیک (منبع: نویسندگان براساس یافته‌های تحقیق).

۳- نقش و اهمیت دیپلماسی اقتصادی در اقتدار ملی

«اقتدار ملی» یا «قدرت ملی» یک ملت، در دنیای جهانی شدن‌های قرن بیست و یکم، نمی‌تواند تابع تعاریف کلاسیک این مفهوم باشد و بیش از این نمی‌تواند بر پایه اقتدار نظامی یک ملت ارزیابی شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۸۷). قدرت ملی در دو قلمرو توسط دولت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ قلمرو داخلی و قلمرو خارجی. در قلمرو داخلی، از قدرت برای تدوین، تنظیم و اجرای مجموعه ضرورت‌های قضایی، تقنینی و اجرایی در اداره امور کشور استفاده می‌شود. در قلمرو خارجی، برای حفاظت از منافع ملی، تأمین نیازهای ملی از مبادی فراکشور، تأمین امنیت ملی، رفع تهدیدات فرامرزی، تقویت اعتبار و پرستیژ ملی و از قدرت ملی استفاده می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۴۷).

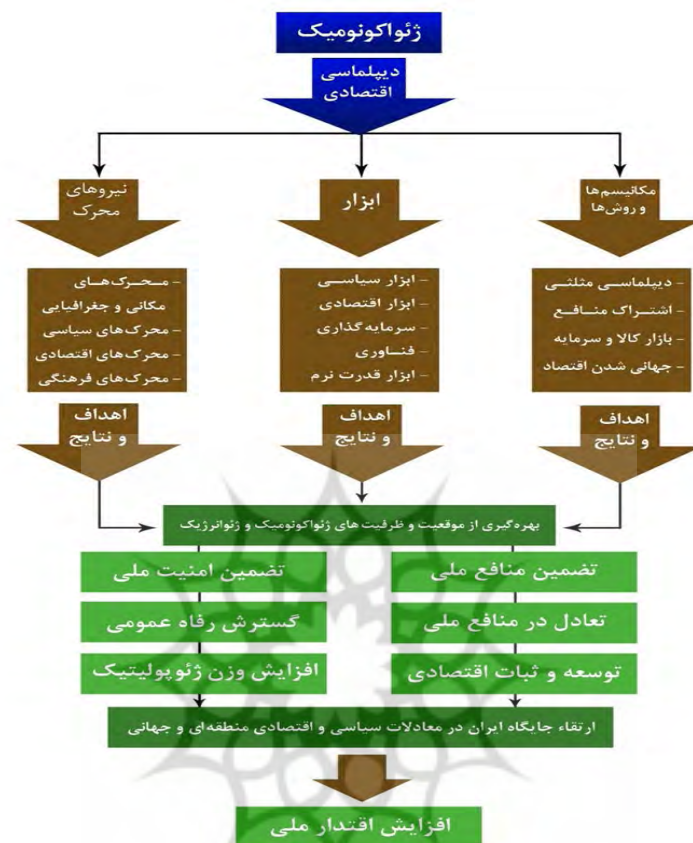
در عصر کنونی، دیپلماسی اقتصادی یک راهبرد مهم و اساسی در سیاست خارجی است که براساس آن، منافع اقتصادی، تجاری و منافع سیاسی یکدیگر را تقویت می‌کنند و بنابراین، باید در کنار هم دیده شوند.



روندهای جهانی طی سه دهه اخیر، به ظهور یک واقع گرایی اقتصادمحور جدید انجامیده است که اقتصاد جهانی را به عنوان یک «بازی ژئواکونومیک» در سطوح منطقه‌ای و جهانی تبدیل نموده است. برخلاف منطق ژئوپولیتیک، که بازی و رقابت با حاصل جمع صفر است، منطق ژئواکونومیک یک رقابت اقتصادی با حاصل جمع مثبت است که همه طرف‌ها می‌توانند با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی و دیپلماسی تأثیرگذار خود، سهم مثبتی از این رقابت داشته باشند. در این راستا، امنیت اقتصادی و منافع ملی هر کشور، به عنوان یک اولویت مطرح می‌شود و محاسبات ژئواکونومیک را به ابزاری قدرتمند، در راستای سیاست‌های توسعه اقتصادی ملی تبدیل می‌کند. به طور کلی، رویکرد ژئواکونومیک در عصر ژئوپولیتیک پست مدرن، براساس محورهای ذیل استوار است:

- بهره‌گیری از منابع و ظرفیت‌های اقتصادی در راستای دستیابی به اهداف ژئوپولیتیک؛
- استفاده از اقتصاد و سیاست‌های مالی تجاری جهت دستیابی به اهداف سیاسی؛
- تحکیم و تقویت امنیت ملی از طریق پیوند با اقتصاد جهانی؛
- افزایش قدرت ملی، تضمین منافع ملی و ارتقای وزن ژئوپولیتیکی کشورها از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی؛
- تقویت قدرت نرم، دیپلماسی اقتصادی و ابزار و روش‌های مربوط به آن در دستگاه سیاست خارجی کشورها، در راستای تسلط بر بازارهای جهانی و دستیابی به برتری تکنولوژی و بازرگانی.

شایان ذکر است، به موازات روند فزاینده جهانی شدن اقتصاد و تبدیل رویکرد ژئواکونومیک به پارادایم اصلی توسعه کشورها، بهره‌گیری از یک سیاست خارجی توسعه‌گرا و به تبع آن، یک دیپلماسی اقتصادی فعال، پویا و هوشمندانه اجتناب‌ناپذیر است. همان‌طور که در شکل شماره ۲ مشاهده می‌شود، دیپلماسی اقتصادی حلقه اتصال ظرفیت‌های ژئواکونومیک و ژئوانرژیک کشور در جهت حفظ و افزایش اقتدار ملی است. موضوعی که از طریق تضمین منافع ملی، تقویت امنیت ملی، افزایش وزن ژئوپولیتیک، گسترش رفاه عمومی، توسعه و ثبات اقتصادی حاصل می‌شود و به ارتقای جایگاه ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی می‌انجامد.



شکل شماره ۲. مدل مفهومی نقش و اهمیت دیپلماسی اقتصادی و رویکرد ژئواکونومیک و نتایج حاصل از آن در افزایش اقتدار ملی (منبع: نویسندگان براساس یافته‌های تحقیق).

۴- ژئواکونومیک (ژئوپولیتیک انرژی)

منابع انرژی که برآمده از محیط جغرافیایی و بستر جغرافیایی هر کشور به‌شمار می‌روند، در ژئواکونومیک و اقتصاد سیاسی عصر حاضر از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این منابع از دیرباز در اقتصاد و تمدن جوامع بشری نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. به موازات رشد و گسترش جوامع بشری، افزایش رفاه عمومی و توسعه اقتصادی، بر نقش و اهمیت منابع انرژی در زندگی بشر افزوده شده است؛ از این‌رو، در عصر کنونی، بدون منابع تأمین انرژی و فناوری‌های تبدیل، فرآوری و انتقال آن، زندگی جوامع بشری با مشکلات عدیده روبه‌رو خواهد شد.



ژئوپولیتیک انرژی پس از دهه ۱۹۹۰، زمانی که منابع جهانی و به‌طور عمده سوخت‌های فسیلی، در مواجهه با تقاضای فزاینده جهانی برای انرژی کمیاب شدند، شتاب بیشتری گرفت. هم‌زمان با پایان جنگ سرد، مفاهیم جدیدی مطرح و نگرانی برای امنیت انرژی در گفتمان جهانی مطرح شد. در سال ۱۹۹۶ میچل و همکاران تغییرات وضعیت ژئوپولیتیک انرژی جهان پس از جنگ سرد را در کتاب ژئوپولیتیک جدید/انرژی به تصویر کشیدند و از اینکه مبحث ژئوپولیتیک انرژی جدید است حمایت کردند (میشل و همکاران، ۱۹۹۶: ۲ و ۳). با ظهور عصر ژئوپولیتیک پست‌مدرن و رویکرد غالب آن یعنی ژئواکونومیک در دهه پایانی قرن بیستم، کانون‌های تأمین، مسیرهای انتقال و امنیت عرضه و تقاضای انرژی بیش از گذشته مورد توجه کشورهای مصرف‌کننده انرژی و قدرت‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و جهانی قرار گرفت. موضوعی که به بازگشت «هارتلند» به مباحث ژئوپولیتیکی انجامید؛ از این‌رو، از دیدگاه جهانی‌اندیشان، بازگشت «هارتلند» به مباحث انرژی یکی از مشخصه‌های عصر ژئوپولیتیک پست‌مدرن است.

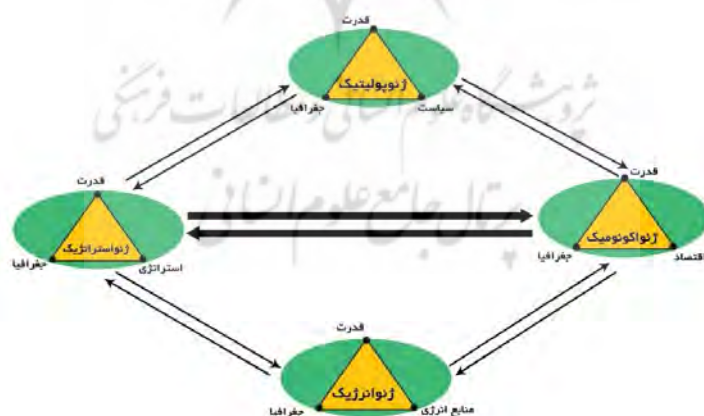
ویداکیس و بالتوس با الهام از زبان یونانی واژه «ژئوانرژیک» را جهت پرداختن به تأثیرات منابع انرژی در سیستم‌های سیاسی اقتصادی و همچنین، تأثیر آن‌ها بر روابط بین‌المللی، وارد ادبیات جغرافیای سیاسی نمودند. از دیدگاه آنان، ژئوانرژیک تعامل بین تصمیمات و اقدامات سیاسی با وجود منابع انرژی و همچنین، پتانسیل استفاده از آن‌ها را تفسیر می‌کند. بر این اساس، تلاش اولیه برای تعریف ژئوانرژیک این خواهد بود که «مطالعه، تجزیه و تحلیل، بررسی و تفسیر تصمیمات اتخاذ شده توسط سازمان‌های فراملی، دولتی و خصوصی در سطوح سیاسی، استراتژیک، اقتصادی و حتی اجتماعی، در ارتباط با مناطق جغرافیایی و همچنین، منابع انرژی موجود یا قابل‌دسترس همراه با منابعی که در یک منطقه جغرافیایی خاص مورد معامله، بهره‌برداری و همچنین به‌طور بالقوه پردازش می‌شوند». ژئوانرژیک روابط بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای بین کشورهای غنی از انرژی را مطالعه می‌کند و آن‌ها را به قدرت سیاسی و اقتصادی مرتبط می‌کند. در نتیجه، ژئوانرژیک دولت‌ها را براساس ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و فرهنگی با ثروت کشورها در منابع انرژی خاص، براساس این دیدگاه که انرژی یک سلاح استراتژیک است طبقه‌بندی می‌کند (ویداکیس و بالتوس، ۲۰۱۵: ۲ و ۵).

در عصر کنونی، شاهد انطباق روزافزون قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک هستیم. درحالی‌که ژئواستراتژیک بر استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف برای دستیابی به اهداف سیاسی تأکید دارد، ژئواکونومیک بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی و تجاری را جهت دستیابی به اهداف مختلف از جمله اهداف سیاسی، در دستور کار خود قرار می‌دهد. با توجه



به این همپوشانی، همان گونه که شکل شماره ۳ نمایش می دهد، جایگاه ژئوپولیتیک انرژی یا ژئوانرژی در فصل مشترک ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک قرار می گیرد. مباحث ژئوپولیتیک در دوران نوین در پرتو سه چالش اصلی تغییر شکل می دهد که عبارت اند از:

- جهانی شدن اقتصاد؛
 - انقلاب اطلاعات؛
 - خطرهای امنیتی جامعه جهانی (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۲۸۰).
- اثرگذاری این عوامل در نقش آفرینی سیاسی انسان در محیط جهانی شکل گیرنده در بستر مدرنیته پیشرفته، شرایطی را فراهم آورده که مطالعه آن «ژئوپولیتیک پست مدرن» نام می گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۲۸۰).
- برخی از مهم ترین شاخص ها ویژگی های ژئوپولیتیک پست مدرن عبارت اند از:
- روند فزاینده جهانی شدن و به موازات آن، پویایی و نقش آفرینی بیشتر «فضای جریان ها» در برابر «فضای مکان ها»؛
 - گسترش روزافزون و بی سابقه رقابت های اقتصادی در سطوح منطقه ای و جهانی؛
 - گسترش گروه بندی ها و همگرایی های منطقه ای با رویکردهای اقتصادی و تجاری؛
 - بازگشت هارتلند به مباحث انرژی؛
 - گرایش روزافزون قدرت های منطقه ای و جهانی به ابزار و روش های قدرت نرم به جای ابزار و روش های قدرت سخت؛
 - نقش و تأثیر نگرانی های اقلیمی و چالش های زیست محیطی بر مسائل و موضوعات ژئوپولیتیکی.



شکل شماره ۳. مدل مفهومی جایگاه ژئوانرژی در ژئوپولیتیک پست مدرن (منبع: نویسندگان براساس یافته های تحقیق).

به‌طور کلی، ژئوانرژیک سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی را در ارتباط با موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های انرژی آن‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس، جغرافیا، اقتصاد انرژی و قدرت سه ضلع اصلی ژئوانرژیک را، به‌عنوان مبحثی در ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک پست‌مدرن، تشکیل می‌دهند. دیپلماسی اقتصادی و به‌تبع آن دیپلماسی انرژی، ارتباط، پیوند و تعامل این سه ضلع در راستای افزایش اقتدار ملی، تحکیم امنیت ملی، توسعه اقتصادی و ارتقای وزن ژئوپولیتیکی کشورها را برقرار می‌سازد. بر این اساس، توجه به دیپلماسی اقتصادی و به‌تبع آن دیپلماسی انرژی، از ضروریات سیاست خارجی دولت‌ها در جهان امروز است. ژئوانرژیک دارای جنبه‌های پیچیده و ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، تجاری، اجتماعی، زیست‌محیطی، تاریخی و امنیتی است. به‌طور کلی، روابط متقابل بین انرژی و معادلات سیاسی اقتصادی بین‌المللی، جوهره اصلی ژئوانرژیک را تشکیل می‌دهد. شکل شماره ۴ مدل مفهومی ژئوانرژیک و ابعاد مختلف آن را در قرن بیست‌ویکم نمایش می‌دهد.



شکل شماره ۴. مدل مفهومی نقش و اهمیت ژئوانرژیک در قرن بیست‌ویکم (منبع: نویسندگان براساس یافته‌های تحقیق)

بحث و بررسی یافته‌ها

۱- ژئوانرژیک ایران در قرن بیست‌ویکم

تحلیل وضعیت ژئواکونومیک ایران در قرن بیست‌ویکم بیانگر واقعیت‌های ذیل است:
- به‌عنوان کشوری مرکزی در بیضی استراتژیک انرژی، دو قطب اصلی انرژی جهان یعنی دو حوزه خلیج فارس و دریای خزر را به هم متصل می‌کند و بر این اساس، یکی از مهم‌ترین کانون‌های ذخیره هیدروکربنی جهان را در خود جای داده است.



- همسایگی و ارتباط نزدیک با پانزده کشور مختلف و قابلیت ارتباط با اکثر مناطق و کشورهای جهان از طریق خلیج فارس و دریای عمان.

- موقعیت جغرافیایی ممتاز در حدفاصل سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و پل ارتباطی بین کشورهای مختلف مناطق خلیج فارس، آسیای میانه، قفقاز، آسیای جنوبی و آسیای غربی.

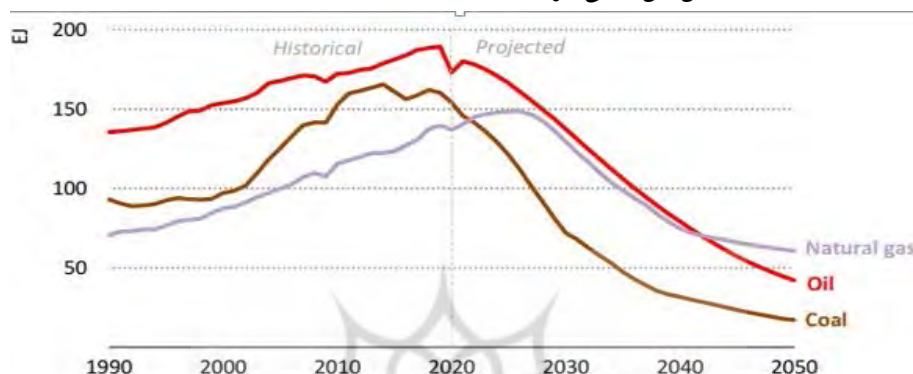
- برخورداری از منابع معدنی متنوع و غنی مانند مس، روی، آهن.

در این میان، موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های ژئوانرژی کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران با توجه به موقعیت مرکزی خود در هارتلند انرژی و برخورداری از ذخایر غنی نفت و گاز، با در اختیار داشتن رتبه دوم ذخایر گاز طبیعی و رتبه سوم ذخایر نفت جهان، یکی از کشورهای مهم و محوری ژئوپولیتیک انرژی در جهان است.

طی سال‌های اخیر، سازمان‌هایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی، آژانس بین‌المللی انرژی تجدیدپذیر و شرکت‌های شل و بریتیش پترولیوم در گزارش‌های خود به پیش‌بینی روند انتقال انرژی از منابع انرژی فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر در سناریوهای مختلف پرداخته و فرضیه‌های متعددی را در این زمینه ارائه کرده‌اند. براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، جلوگیری از افزایش گرمایش جهانی به بالای ۱/۵ درجه سانتی‌گراد مستلزم رسیدن به ۸۰ درصد انرژی بدون انتشار تا سال ۲۰۳۰، و ۱۰۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ است که می‌بایست عمده‌تاً «از طریق افزایش استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر حاصل شود» (جاکوبسون و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۰۸). برخی از پژوهشگران بر این عقیده‌اند که روند انتقال انرژی می‌تواند ذخایر نفت کشورهایمانند برزیل، نیجریه، روسیه، عربستان سعودی، ایران و ونزوئلا را به «دارایی‌هایی سرگردان» تبدیل کند (اوورلند و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۶). نمودار شماره ۱ سهم انرژی‌های فسیلی در تأمین انرژی اولیه جهان تا سال ۲۰۵۰ را نمایش می‌دهد. انرژی‌های فسیلی شامل نفت، گاز طبیعی و زغال‌سنگ با تأمین ۸۲ درصد از انرژی اولیه، در سال ۲۰۲۲ همچنان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی جهان بوده‌اند. نفت با ۳۱/۵۷ درصد همچنان مهم‌ترین منبع تأمین انرژی جهان است. در همین سال، زغال‌سنگ ۲۶/۷۳ درصد و گاز طبیعی ۲۳/۵۰ درصد از تأمین انرژی اولیه جهان را بر عهده داشته‌اند. انرژی‌های تجدیدپذیر با ۷/۴۸، هیدروالکتریسیته با ۶/۷۳ و انرژی هسته‌ای با ۳/۹۹ درصد از نظر تأمین انرژی اولیه، در رتبه‌های بعد قرار گرفته‌اند. سهم نفت از ۳۷ درصد از کل عرضه انرژی در سال ۲۰۰۰ به ۲۹ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است. گاز طبیعی به سرعت از کاهش تقاضا در سال ۲۰۲۰ باز می‌گردد و تا اواسط



دهه ۲۰۲۰ افزایش می‌یابد و به اوج خود و حدود ۴۳۰۰ میلیارد مترمکعب می‌رسد؛ قبل از اینکه به ۳۷۰۰ مترمکعب در سال ۲۰۳۰ و ۱۷۵۰ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۵۰ کاهش یابد. براساس این پیش‌بینی، تا سال ۲۰۵۰ مصرف گاز طبیعی ۵۵ درصد کمتر از سال ۲۰۲۰ است (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۳: ۱۰۱).



نمودار شماره ۱. پیش‌بینی روند کاهش تولید زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی تا سال ۲۰۵۰ (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۳: ۱۰۱)

کلمنت معتقد است حدود نیمی از ذخایر نفت متعارف جهانی و ۸۰ درصد از ذخایر غیرمتعارف باید برای همیشه در زمین بمانند. حتی اگر بخواهیم شانس مناسبی برای کنترل تغییرات آب‌وهوایی داشته باشیم، حتی اگر پذیرش گسترده فناوری جذب، ذخیره و استفاده از کربن را فرض کنیم، حدود ۳۰ درصد از ذخایر نفتی معمولی باید در زمین باقی بمانند. گاهی ادعا می‌شود که دولت‌های نفتی خاورمیانه مناطقی هستند که بیشترین تأثیر را از این تغییر در تقاضای انرژی خواهند دید. با این حال، ممکن است این‌طور نباشد؛ زیرا این کشورها کمترین هزینه تولید یک بشکه نفت خام را در جهان دارند. آنچه برای کشورهای نفتی اهمیت دارد میزان پولی است که از تولید یک بشکه نفت خام به دست می‌آید و این به نوبه خود، به هزینه‌های تولید و همچنین، به قیمت بازار نفت بستگی دارد (کلمنت، ۲۰۲۱: ۲۳۰). طی سال‌های اخیر، مراکز علمی، آماری و تحقیقاتی از جمله بریتیش پترولیوم و آژانس بین‌المللی انرژی، ضمن تأکید بر افزایش تقاضای جهانی انرژی اولیه تا سال ۲۰۵۰، به تأثیر عوامل متعدد در گذار از انرژی‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر اشاره کرده‌اند (بریتیش پترولیوم و آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۳)؛ بنابراین، حل نگرانی‌های موجود در زمینه آب‌وهوا و کاهش منابع، با حفظ منابع متعارف، در عمل غیرممکن است (آگکیوم و همکاران، ۲۰۲۱: ۱).



برخلاف قرن بیستم، از ابتدای قرن بیست‌ویکم از اهمیت راهبردی نفت کاسته شده است. دلیل اصلی این موضوع کاهش روزافزون سهم نفت در سبد انرژی جهانی، طی دو دهه اخیر بوده است. با توجه به تحولات جدید تجارت جهانی انرژی، به‌نظر می‌رسد تجارت جهانی نفت وارد مرحله‌ای از عدم اطمینان شده است. روند رشد و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و نگرانی‌های ناشی از افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای از یک‌سو و نوسان‌های قیمت نفت از سوی دیگر، توسعه میادین نفتی و سرمایه‌گذاری‌های جدید را زیر سؤال برده است؛ به عبارت دیگر، از ابتدای قرن بیست‌ویکم، تولید و تجارت جهانی نفت تحت تأثیر تحولات ذیل، دچار ابهام و عدم قطعیت بوده است:

- رشد تولید و تجارت جهانی گاز به عنوان یک سوخت با مزیت نسبی؛

- رشد و توسعه روزافزون انرژی‌های تجدیدپذیر؛

- نوسانات شدید قیمت نفت؛

- انقلاب شیل و فناوری تولید نفت از منابع نامتعارف.

براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی در سناریوی صفر خالص، تقاضای نفت هرگز به اوج خود در سال ۲۰۱۹ باز نمی‌گردد و از ۸۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۰، به ۷۲ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ و ۲۴ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۵۰ کاهش می‌یابد. این پیش‌بینی، کاهش ۷۵ درصدی تقاضای نفت بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰، بیش از ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰ را نشان می‌دهد؛ درواقع، تقاضای نفت بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۵۰، بیش از ۴ درصد در سال کاهش می‌یابد (آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۳: ۱۰۱)؛ اما فرصت‌های مهمی نیز در این بین به چشم می‌خورند. بریتیش پترولیوم پیش‌بینی می‌کند که در هر سه سناریو انتقال انرژی، سهم اوپک از تولید جهانی نفت تا سال ۲۰۵۰ بین ۴۵ تا ۶۵ درصد افزایش یابد. این به دلیل ساختار هزینه‌های بیشتر تولید از سوی تولیدکنندگان غیراوپک است؛ به‌طوری‌که این سهم از ۳۴ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۵۲ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش می‌یابد. این فرصتی برای کشورهایمانند ایران است تا با توسعه صادرات و درآمدهای نفتی خود، در زمان طولانی‌تری از مدار تجارت جهانی انرژی‌های فسیلی حذف شوند (بریتیش پترولیوم، ۲۰۲۳: ۴۳).

باوجود کاهش نقش نفت در اقتصاد ایران طی سه دهه اخیر، درآمدهای نفتی از طریق تأمین بخش اصلی درآمدهای ارزی کشور، رشد تولید ناخالص داخلی، توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و بهبود شاخص‌های رفاهی جامعه، همچنان نقش مهمی در



اقتصاد ایران ایفا می‌کند. ایران با ۲۰۸/۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده، معادل ۱۳/۳۳ درصد از ذخایر نفت خام جهان را در اختیار دارد و سومین کشور جهان و دومین کشور اوپک از نظر ذخایر نفتی است؛ اما با وجود نقش و اهمیت نفت در توسعه اقتصادی کشور، تولید و صادرات نفت کشور، طی سه دهه اخیر با نوسانات زیادی همراه بوده است. براساس آمار اوپک، ایران در سال ۲۰۲۲ با تولید ۲/۵۵ میلیون بشکه در و صادرات ۹۰۱ هزار بشکه در روز، به ترتیب هفتمین تولیدکننده و نهمین صادرکننده نفت خام جهان بوده است (اوپک، ۲۰۲۳: ۲۲). با توجه به تحولات تجارت جهانی نفت و کاهش روزافزون سهم نفت در سبد انرژی‌های اولیه جهان از ابتدای قرن بیست‌ویکم و تداوم کاهش اهمیت راهبردی نفت طی دهه‌های آینده، به نظر می‌رسد بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئواستراتژیک نفت در اقتصاد ایران برای دهه‌های آینده، دیگر یک انتخاب نیست بلکه یک ضرورت است (اوپک، ۲۰۲۳: ۷۶).

براساس آمار سال ۲۰۲۳، کل ذخایر شناخته‌شده گاز طبیعی جهان ۲۱۰۶۳ میلیارد مترمکعب بوده که از این میان روسیه، ایران و قطر با ۴۷۷۵۹، ۳۳۹۸۸ و ۲۳۸۳۱ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی، به ترتیب ۲۲/۷۳، ۱۶/۱۸ و ۱۱/۳۴ درصد از ذخایر شناخته‌شده گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند. براساس گزارش سالیانه مؤسسه آماری انرژی جهانی، ایران در سال ۲۰۲۲ با تولید سالانه ۲۵۹/۴ میلیارد مترمکعب، معادل ۶/۴ درصد از گاز طبیعی جهان را تولید کرده است. درعین حال، با سالانه ۲۲۸/۹ میلیارد مترمکعب و مصرف ۵/۸ درصد از گاز طبیعی جهان، بعد از کشورهای امریکا، روسیه و چین، رتبه چهارم جهان را از نظر مصرف گاز طبیعی در سال ۲۰۲۲ داشته است (انستیتو انرژی، ۲۰۲۳: ۳۰ تا ۳۸). صادرات گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۲۲ معادل ۱۸/۹ میلیارد مترمکعب بوده است که با در نظر گرفتن واردات هم‌زمان گاز از کشورهای ترکمنستان و آذربایجان، ایران علی‌رغم ظرفیت‌های کم‌نظیر، در عمل سهم ناچیزی در صادرات و تجارت جهانی گاز داشته است. در سال ۲۰۲۲ در مجموع ۷۱۸/۴ میلیارد مترمکعب حجم تجارت جهانی گاز طبیعی از طریق خطوط لوله بوده که سهم ایران تنها ۲/۶۳ درصد از تجارت جهانی گاز بوده است (انستیتو انرژی، ۲۰۲۳: ۳۸).

بی‌تردید چشم‌انداز تقاضای گاز طبیعی تا نیمه قرن بیست‌ویکم به سرعت انتقال انرژی بستگی دارد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند گاز طبیعی حداقل تا پایان نیمه قرن کنونی، اهمیت راهبردی خود را حفظ نموده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حامل‌های انرژی، تأمین‌کننده اصلی نیاز جوامع بشری خواهد بود. مزیت‌های گاز طبیعی به‌عنوان یک سوخت انتقالی، فرصتی برای ایران به‌عنوان دومین کشور از لحاظ ذخایر جهانی گاز است تا با اتخاذ یک



دیپلماسی اقتصادی و به تبع آن، دیپلماسی انرژی مناسب، حداکثر بهره‌برداری را تا قبل از افول گاز به‌عنوان یکی از سوخت‌های فسیلی به‌عمل آورد. بر این اساس، گاز طبیعی راهبردهای متعددی را در دوره انتقال از سوخت‌های فسیلی به انرژی‌های تجدیدپذیر، برای انتخاب در مقابل کشور ما قرار می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- توسعه زیرساخت‌های لازم در راستای افزایش تولید و صادرات گاز طبیعی، با توجه به ذخایر عظیم کشور؛

- برنامه‌ریزی در راستای ایجاد زیرساخت‌های لازم جهت استفاده بهینه و تبدیل گازهای شعله‌ور در میادین نفتی به منابع قابل استفاده، به‌ویژه گاز مایع، جهت مصارف داخلی و توسعه صادرات. ایران در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کربن حاصل از گاز شعله‌ور در جهان است؛

- ایجاد زیرساخت‌های مربوط به پروژه‌های جذب، استفاده و ذخیره‌سازی کربن (CCUS) در راستای تولید هیدروژن آبی یا کم‌کربن، کاهش کربن حاصل از احتراق گاز طبیعی در فرایندهای مختلف به‌ویژه صنایع، نیروگاه‌ها و غیره؛

- ایجاد و توسعه زیرساخت‌های تولید و صادرات گاز مایع، با توجه به روند افزایش مصرف این محصول در بازارهای هدف، به‌ویژه کشورهای اتحادیه اروپا، چین، ژاپن، کره جنوبی، هند و سایر کشورهای نوظهور اقتصادی آسیا؛

- به‌کارگیری ظرفیت‌های تولید گاز طبیعی کشور، در راستای تولید هیدروژن به‌عنوان یک سوخت پاک و بیومتان و متان مصنوعی به‌عنوان سوخت‌های کم‌انتشار، جهت مصارف داخلی و صادرات خارجی.

۲- آمار توصیفی و استنباطی پژوهش

یافته‌های کتابخانه‌ای و نتایج حاصل از تهیه و تکمیل پرسشنامه پژوهش به تعداد ۳۴ برگ از طریق اساتید و کارشناسان مرتبط با موضوع، با استفاده از نرم‌افزار Spss و آزمون T-Test و رگرسیون چندمتغیره مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در ادامه، به‌ترتیب توزیع درصد سن، سطح تحصیلات و رشته تحصیلی پاسخگویان ذکر می‌شود.

- درصد سن پاسخگویان: کمتر از ۴۰ سال ۵/۹ درصد؛ ۴۰ تا ۵۰ سال ۳۸/۲ درصد؛ ۵۰ تا ۶۰ سال ۲۹/۴ درصد؛ ۶۰ سال و بالاتر ۲۶/۵ درصد.

- درصد سطح تحصیلات پاسخگویان: کارشناسی ارشد ۲۳/۵ درصد؛ دکتری ۷۶/۵ درصد.



- درصد رشته تحصیلی پاسخگویان: رشته اقتصاد ۱۴/۷ درصد؛ جغرافیا ۶۱/۸ درصد؛ علوم سیاسی ۸/۸ درصد؛ مدیریت ۵/۹ درصد؛ علوم اجتماعی ۵/۹ درصد و هنر ۲/۹ درصد.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی (فراوانی و درصد) سؤالات پژوهش براساس دیدگاه پاسخگویان

سؤالات	ردیف	نوع پاسخ	میانگین	تعداد	درصد
فقدان رویکرد ژئواکونومیک در ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی ایران، به منافع ملی، توسعه اقتصادی و ارتقای جایگاه کشور در معادلات سیاسی اقتصادی جهانی و منطقه‌ای، در روند جهانی شدن اقتصاد آسیب می‌رساند.	۳۴	فراوانی	۰	۰	۱۶
	۳۴	درصد	۰	۰	۴۷/۱
ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای هم‌تراز، تاکنون نتوانسته است از شرایط جهانی شدن اقتصاد و غلبه رویکرد ژئواکونومیک در اقتصاد جهانی، به نفع منافع ملی و توسعه اقتصادی کشور بهره‌برداری نماید.	۳۴	فراوانی	۰	۱	۱۵
	۳۴	درصد	۰	۲/۹	۴۴/۱
با توجه به روند فزاینده جهانی شدن اقتصاد، ارتقای جایگاه ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی در قرن بیست و یکم مستلزم تغییر رویکرد از ژئوپولیتیک سنتی به ژئواکونومیک است.	۳۴	فراوانی	۰	۰	۱۸
	۳۴	درصد	۰	۰	۵۲/۹
فقدان رویکرد ژئواکونومیک و ضعف شدید دیپلماسی اقتصادی، علت اصلی ناتوانی ایران در بهره‌گیری از موقعیت و ظرفیت‌های ژئواکونومیک کشور است.	۳۴	فراوانی	۰	۱	۹
	۳۴	درصد	۰	۲/۹	۲۶/۵
وضعیت دیپلماسی اقتصادی ایران طی دو دهه اول قرن بیست و یکم، با موقعیت و جایگاه ژئواکونومیک مبتنی بر ژئواکونومیک کشور همسو و منطبق نبوده است.	۳۴	فراوانی	۰	۰	۱۲
	۳۴	درصد	۰	۰	۳۵/۳
جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران، به یک دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر ژئواکونومیک، تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم مهم و ضروری است.	۳۴	فراوانی	۰	۱	۱۱
	۳۴	درصد	۰	۲/۹	۳۲/۴
بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور	۳۴	فراوانی	۰	۰	۱۰



۲۹/۴	۵۰	۲۰/۶	۰	۰	درصد	ژئوانرژیک تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم، مستلزم تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی است.	
۱۰	۲۱	۳	۰	۰	فراوانی	۳۴	برخورداری از دومین ذخایر گاز و سومین ذخایر نفت جهان، بیانگر موقعیت کم نظیر ژئوانرژیک ایران تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم است.
۲۹/۴	۶۱/۸	۸/۸	۰	۰	درصد		
۶	۲۰	۷	۱	۰	فراوانی	۳۴	جایگاه و مزیت های گاز طبیعی به عنوان یک «سوخت انتقالی» در روند انتقال، فرصتی برای ایران در راستای توسعه ظرفیت های صادراتی گاز طبیعی است.
۱۷/۶	۵۸/۸	۲۰/۶	۲/۹	۰	درصد		
۸	۱۵	۹	۲	۰	فراوانی	۳۴	فقدان استراتژی و ضعف شدید دیپلماسی انرژی در روند انتقال، می تواند ذخایر هنگفت و کم نظیر نفت و گاز ایران را در دهه های آینده به دارایی هایی سرگردان تبدیل کند.
۲۳/۵	۴۴/۱	۲۶/۵	۵/۹	۰	درصد		
۱۰	۱۵	۸	۱	۰	فراوانی	۳۴	ظرفیت های عظیم انرژی نفت و گاز فرصتی برای ایران در راستای ایجاد زیرساخت های تولید و بهره برداری از انرژی های تجدید پذیر است.
۲۹/۴	۴۴/۱	۲۳/۵	۲/۹	۰	درصد		
۱۷	۱۲	۴	۱	۰	فراوانی	۳۴	ایران برخلاف روندهای جهانی و منطقه ای، فاقد استراتژی و برنامه بلندمدت در راستای انتقال از انرژی های فسیلی به منابع انرژی پاک و تجدید پذیر است.
۵۰	۳۵/۳	۱۱/۸	۲/۹	۰	درصد		

جدول شماره ۱ آمار توصیفی (فراوانی و درصد) سؤالات پژوهش را نشان می دهد. براساس نتایج به دست آمده از این جدول، که بخش چشمگیری از پاسخگویان در پاسخ به پرسش های مربوط به پژوهش گزینه های موافقم و کاملاً موافقم را انتخاب کرده اند، می توان این گونه استنباط کرد که اکثریت پاسخگویان موافق با گویه های پرسشنامه بوده اند.

جدول شماره ۲. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
موقعیت ژئواکونومیک ایران در قرن بیست و یکم	۳۴	۴/۰۹	۰/۲۴	۳	۵
موقعیت ژئوانرژیک ایران	۳۴	۴/۰۱	۰/۲۱	۳	۵
دیپلماسی اقتصادی ایران	۳۴	۴/۰۳	۰/۲۶	۳	۵



جدول شماره ۲ آمار توصیفی متغیرهای تحقیق (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) را نشان می‌دهد. براساس نتایج به دست آمده از این جدول، براساس طیف لیکرت (طیف پنج تایی لیکرت: خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱)، میانگین متغیرها از سطح متوسط بالاتر است و این نشان می‌دهد که پاسخگویان معتقدند دو متغیر اصلی تحقیق یعنی موقعیت ژئواکونومیک و موقعیت ژئوانرژیک ایران در قرن بیست و یکم، از سطح متوسط بالاتر است؛ از این رو، بهره‌گیری از موقعیت و ظرفیت‌های ژئواکونومیک کشور بر محور ژئوانرژیک، مستلزم بهره‌گیری از یک دیپلماسی اقتصادی کارآمد، پویا و هوشمندانه، به عنوان یک متغیر وابسته است.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون میانگین «بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژیک تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم، مستلزم تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی»

Test Value = 3							
متغیر	فاصله اطمینان ٪۹۵ حد بالا حد پایین	اختلاف میانگین	درجه آزادی	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنادار ی
میزان موقعیت ژئواکونومیک ایران در قرن بیست و یکم	۱/۱۸	۱/۰۱	۱/۰۹	۳۳	۴/۰۹	۰/۲۴	۲۶/۴۴۲
							۰/۰۰۰

براساس اطلاعات جدول شماره ۳ مقدار معناداری متغیر کمتر از ۰/۰۵ است؛ بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت میانگین متغیر تحقیق (بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژیک تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم، مستلزم تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی) دارای تفاوت معناداری با مقدار ۳ (به دلیل استفاده از طیف پنج تایی لیکرت: خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱) است و با توجه به فاصله اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که میانگین این متغیر بسیار بالاتر از حد متوسط است (۴/۰۹=میانگین) و نزدیک به همه پاسخگویان اتفاق نظر دارند که بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژیک، تا پایان نیمه اول قرن بیست و یکم، مستلزم تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برخلاف ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوانرژیک رویکردی علمی دارند و بر داده‌های کمی تأکید می‌کنند. ژئوانرژیک در ارتباط نزدیک با ژئواکونومیک است؛ زیرا بر استفاده



بهینه دولت‌ها از منابع و ظرفیت‌های انرژی که در اختیار دارند و همچنین، بر روابط قدرت برآمده از آن تأکید می‌کنند. در عصر کنونی، با توجه به جهانی شدن روزافزون اقتصاد، رویکرد ژئواکونومیک در راستای توسعه منافع ملی از طریق تأمین امنیت اقتصادی با روش‌های قدرت نرم، در اولویت اصلی منافع و امنیت ملی کشورها قرار گرفته است. امروزه دولت‌ها با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی کارآمد و اتخاذ رویکرد ژئواکونومیک، به‌عنوان محور اصلی ژئوپولیتیک پست‌مدرن، به دنبال گسترش بازارها، دسترسی به منابع مالی و بهترین و به‌روزترین فناوری‌ها، در جهت افزایش اقتدار ملی، گسترش نفوذ اقتصادی و ارتقای جایگاه خود در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و جهانی هستند. انرژی یکی از مهم‌ترین متغیرها در روابط ایران با جهان خارج، به‌ویژه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای است. بر این اساس، سیاست خارجی ایران با ژئوانرژی، به‌عنوان مبحثی در ژئواکونومیک، ارتباطی مستقیم دارد. به‌طورکلی، بهره‌گیری از موقعیت و ظرفیت‌های ژئواکونومیک ایران بر محور ژئوانرژی، تا پایان نیمه اول قرن بیست‌ویکم، مستلزم تغییر رویکرد از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی اقتصادی است. پس از گذشت بیش از دو دهه از قرن بیست‌ویکم، واقعیت‌ها و روندهای موجود نشان می‌دهند که ایران نتوانسته است از موقعیت و ظرفیت‌های ژئواکونومیک کشور بر محور ژئوانرژی بهره‌برداری نماید که در بین مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ضعف شدید دیپلماسی اقتصادی و به‌تبع آن، دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کشور؛
- فقدان دکترین انرژی و استراتژی جامع و بلندمدت انرژی در بین راهبردهای سیاسی و اقتصادی ایران؛

- نادیده گرفتن نقاط قوت و فرصت‌های مربوط به موقعیت و ظرفیت‌های ژئوانرژی کشور (برخلاف روندهای جهانی شدن اقتصاد)، در راستای اقتدار ملی، افزایش وزن ژئوپولیتیک و ارتقای جایگاه ایران در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه‌ای و جهانی.

امروزه دیپلماسی اقتصادی یک راهبرد مهم و اساسی در سیاست خارجی است که براساس آن، منافع اقتصادی، تجاری و منافع سیاسی یکدیگر را تقویت می‌کنند و بنابراین، باید در کنار هم دیده شوند. به‌طورکلی، هدف از به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی و نقش و اهمیت آن در بهره‌گیری از موقعیت ژئواکونومیک و ظرفیت‌های ژئوانرژی کشور را می‌توان به‌صورت ذیل خلاصه کرد:

- بهره‌گیری از ابزار و روش‌های قدرت نرم در راستای افزایش وزن ژئوپولیتیکی و ارتقای جایگاه کشور در معادلات سیاسی، اقتصادی منطقه‌ای و جهانی؛



- پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی کشور، از طریق تعامل سازنده با کشورهای مختلف؛
- تبدیل ظرفیت‌های بالقوه ژئواکونومیک و ژئوانرژی کشور به منابع بالفعل در راستای توسعه اقتصادی و تقویت منافع ملی؛
- افزایش سهم کشور در بازارهای منطقه‌ای و جهانی، از طریق گسترش بازار کالاها و خدمات؛
- توسعه همکاری با سازمان‌های جهانی و بین‌المللی.

منابع

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، پژوهشکده امیرکبیر.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۲). *ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- عزتی، عزت‌الله؛ گل‌افروز، محمد (۱۳۹۲). «راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپولیتیک انرژی (نفت و گاز) در پیشبرد آن»، *فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی*. سال هشتم، شماره ۲۴. پاییز: ۳۹-۵۳.
- گل‌افروز، محمد (۱۳۹۴). «نقش ژئوپولیتیک انرژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*. دوره چهارم، شماره سوم. پاییز ۱۳۹۴: ۱۹۹-۲۲۴.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت.
- ----- (۱۳۹۵). *فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک*. تهران: انتشارات سمت.
- مختاری‌هشی، حسین؛ نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۹). «امنیت انرژی و موقعیت ژئوانرژی ایران»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*. سال ششم، شماره دوم. تابستان: ۹۵-۱۲۴.
- واعظی، محمود (۱۳۸۸). «دیپلماسی اقتصادی ایران با تأکید بر نقش انرژی»، *پژوهشنامه سیاست خارجی*. شماره ۱۷. زمستان: ۹۴-۱۱۳.
- Agyekum Ephraim Bonah, Kumar N.M, Mehmood.U, Panjwani M.K, Alhelou H.H, Adebayo T.S(2021). "Decarbonize Russia- A Best- Worst Method Approach for assessing the renewable energy potentials, opportunities and challenges", *Energy Reports* (2021): 4498-4515.
- Baranay, P. (2009). "Modern Economic Diplomacy Available". at: www.dec.1V/Mi/Barnary
- Bayne, Nicholas & Woolcock, Stephen (2007). "the new Economic Diplomacy decision-making and negotiation in internation economic relations", *Ashgate*, 2 nd edition, p. 10.
- Bergeijk, peter, Van moons Selwyn(2009). *Economic Diplomacy and Economic security*. At: <https://www.researchgate.net/publication/228213995>.
- British Petroleum (2022). *Energy Outlook 2022 edition*. London, United Kingdom, 2022. <https://www.bp.org>.
- British Petroleum (2023). *Energy Outlook 2023 edition*. London, United Kingdom, July 2023. <https://www.bp.org>.
- Chattergee, Charles (2020). *Economic Diplomacy and Foreign Policy-making*, London: palgrave Macmillan.
- COP28 (2023). « COP28 Goals.», <https://ukcop28.org/cop28-goals/>.
- Carron de la Carriere. G (1998). *Economic diplomacy: The diplomat and the market*. Paris.
- Cooper, A. F, Heine,J. and Thakur,R. (2013). "Introduction in The Oxford hand book of



- modern diplomacy":1-38. Oxford University press (<https://doi.org/10.1093.oxfordhb/9780199588862.013.0001>).
- Energy Institute (EI) (2023). "Energy Institute Statistical Review of World Energy 2023", at: <https://www.energyinst.org>.
 - GECF (2023). *GECF Annual Gas Market Report 2023. Gas Exporting Countries Forum*. Doha: Qatar, 2023.<https://www.gecf.org>.
 - Gulsara, Arystankulova (2018). "Economic Diplomacy Important component of Foreign policy of Modern state", *the Turkish Online Journal of Design, Art and Communication-TOJDAC* ISSN: 2146-5193-September 2018 Special Edition, p.2864-2873.
 - IEA (2022). "Gas Market Report,Q3-2022, including Gas2022 medium-term forecast to 2025", *International Energy Agency*, July 2022, <https://www.iea.org>.
 - IEA (2023). IEA (2023). "Gas Market Report, Q1-2023", *International Energy Agency*, <https://www.iea.org>.
 - IEA (2023). "Energy Technology Perspectives 2023", *International Energy Agency*,<https://www.iea.org>
 - IPCC(2023). "AR6 Synthesis Report Climate Change 2023". <https://www.ipcc.ch/report/ar6/syr/>.
 - IRENA (2023), "Renewable Energy Statistics 2023", *International Renewable Energy Agency*, At <https://www.irena.org>.
 - IRENA (2023), "World Energy Transitions Outlook 2023: 1.5 DC Pathway", *International Renewable Energy Agency*, At <https://www.irena.org>.
 - Jacobson,M, Delucchi. M, Bauer,Z, Goodman. S, Chapman. W, Cameron.M(2017). "100% Clean and renewable wind", *water, and sunlight all-sector energy roadmaps for 139 countries of the world*. Joule 2017.
 - Klement, Joachim(2021). "Geo-Economics The Interplay Between Geopolitics". *Economics and Investments, CFA Institute Research Foundation*, at <https://SSrn.com/abstract=3836915>.
 - Luttwak, E. (1990). "From Geopolitics to Geo-Economics: Logic of Conflict", *Grammar of Commerce. National Interest*. Summer 1990. Reprinted in the new shape of world Politics. New York 1999,pp 17-23.
 - Luttwak, E. (1993). "The coming global war for economic power: There are no nice guys on the battlefield of geoeconomics". *The International Economy* 7(5):PP 18-67
 - Luttwak, Edward (1998). "From geopolitics to geoeconomics: Logic of Conflict, grammar of commerce . In the geopolitics reader". edited by Gearoid O Tuathail, *Simon Dalby and Paul Routledge*, London: Routledge: 125-130.
 - Mitchel,J, Beck,P and Grubb, M (1996). "The New Geopolitics of Energy". *London:The Royal Institute of International Affairs*.
 - Okano & Heijmans (2011). "Conceptualizing Economic Diplomacy: The Crossroads of international Relations, Economics, IPE and Diplomatic Studies". *In The Hague Journal of Diplomacy*, January 2011
 - OPEC (2023). "OPEC Annual Statistical Bulletin 2023". *Organization of the Petroleum Exporting Countries, Vienna, Austria, 2023*. <https://www.asb.opec.org>.
 - Overland, I. and Bazilian, M. and Uulu, TI. and Vakulchuk, R. and Westphal, K. (2019). "The GeGalo index: Geopolitical gains and losses after energy transition". *Energy Strategy Reviews* 2019. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2211467X19300999>.
 - Rana,S.Kishan (2007), "Economic Diplomacy: The experience of Developing Countries", *The New Economic Diplomacy Decision-Making and Negotiations in International Economic Relations*, Ashgate, 2ND, PP 201-220
 - Vidakis, Ioannis and Baltos, Georgios and Balodis, Janis (2017). "Geopolitics of Energy Versus Geoenergy of Politics". *Sosialo Zinatnu Vestnesis* 2017, 2.PP 38-55.
 - Vidakis, Ioannis and Baltos, Georgios (2015). "Security Aspects of «Geoenergeia» and the Significance of Energy Resources Management in International Politics". *Geopolitics of Energy*, 37(3) Research Institute Canadian Energy, March 2015,pp.2-16.